

مخبر مجتهدی شستری

مقایسه ای میان

## حقوق اسلام و غرب

\* تعریف ساده و مختصری از «حقوق»

\* ماهیت «حقوق تطبیقی» و اثر عملی و مهم آن در تکامل اجتماعات

\* مقایسه حقوق اسلام و غرب فوق العاده مهم و ضروری است !

\* این مقالات مقدمات بحث اهل تحقیق را فراهم میکند

معتبریم این بحث حقوقی و تطبیقی بیشتر برای افرادی قابل مطالعه خواهد بود که به مباحث و اصطلاحات حقوقی جدید آشنایند و با آن سروکار روزانه دارند و به همین جهت مقدمه نویسی بچنین بحثی، بمنظور شناساندن پاره‌ای از اصطلاحات مربوطه و بیان روش و هدف بحث، کاری تقریباً زاید و نا بجا بنظر رسیده ظاهراً نیازی به آن احساس نمیشود.

ولی برای تأمین این منظور که سعی میشود مقالات و مباحث این ماهنامه علمی و دینی برای هر کدام از خوانندگان عزیز قابل مطالعه و استفاده باشد ناگزیر از نگارش این مقدمه کوتاه برای بحث تطبیقی خود میباشیم تا آنده از خوانندگان محترم هم که با مباحث حقوقی تا کنون آشنا نبوده اند از اصطلاحات مربوطه بدرستی آگاه شوند و هر جا به این کلمات بر میخورند مقصود از آن را بوضوح دریابند، همچنانکه در این سلسله مقالات کوشش خواهیم کرد با ساده نویسی و تشریح کامل مباحث، تقریباً همه مطالب برای عموم خوانندگان قابل استفاده گردد باین مناسبت در این بحث مقدمه‌ای تعریف ساده و مختصری از «حقوق» و «علم حقوق» بعمل میآوریم و بطور اختصار ماهیت «حقوق تطبیقی» و منظور از آن بیان میکنیم و سپس لزوم و اهمیت فوق العاده مقایسه جامع الاطراف و دقیق حقوق اسلام و اروپا و اثر بسیار مهم فکری و عملی آن در ملل مسلمان یاد آور شده و خطرهای کوتاهی در انجام این وظیفه سنگین را بیان میداریم اینک تعریف اجمالی «حقوق» .

کلمه «حقوق» در دو معنی متفاوت بکار برده میشود یکی جمع «حق» و آن اختیاری است که برای افراد در جامعه شناخته شده و بموجب آن افراد جامعه میتوانند عملی را انجام دهند و یا آنرا ترک نمایند . معنی دیگر حقوق (که در این بحث منظور ما میباشد) عبارت است از مجموع

قواعد وقوانین الزامی که برای نظم روابط افراد و بهبودی وضعیت جامعه وضع گردیده است و وقتی گفته میشود حقوق فرانسه، حقوق آلمان و یا حقوق تجارت؛ حقوق جزا، علم حقوق، منظور همین معنی از حقوق میباشد، (۱)

بنابراین تعریف، معنی دوم حقوق عیناً همان چیزی است که ما در عرف خود به آن قوانین میگوئیم و در مکالمات روزمره بارها آنرا در مقام انتقاد از یک قانون یا امضاء و تصدیق آن بکار میبریم، مثلاً میگوئیم: فلان قانون موافق مصالح اجتماعی است یا فلان قانون مخالف مصالح اجتماعی است و مانند این تعبیرات، پیدا است در این موارد کلمه «قانون» را در کلیه قواعد و دستورات لازم الاجرائی بکار میبریم که بر جامعه حکوم - میکند و هر فردی از افراد اجتماع خود را ناگزیر از تبعیت از آن میداند.

قانون بچنین معنی وسیعی، درست بهمان معنی اصطلاح در «حقوق» میباشد در حالیکه از نظر اصطلاحات و تألیفات علمی قانون معنی محدودتری دارد و تنها یک قسمت از قسمتهای مختلف تشکیل دهنده حقوق میباشد همه آن زیرا «عادات» و «رویههای قضائی» و «دکترینهای حقوقی» (۲) هم ارکانی هستند که دوش بدوش «قانون» در تشکیل «حقوق» شرکت میکنند و قواعد و قوانین الزامی یک اجتماع (که همان مفهوم حقوق است) از همه اینها ساخته می شود نه تنها از قانون. توجه بهمین نکته الزام میکند، از این که عنوان بحث را «مقایسه‌ای میان قوانین اسلام و غرب» قرار دهیم (با اینکه این عنوان برای خوانندگان ما نوس تر است) اجتناب کنیم و جمله «حقوق اسلام و غرب» را در عنوان بکار ببریم: در این کار تبعیت از اصطلاح صحیح علمی می‌نمائیم و بدین ترتیب در همه مباحث بعدی اصطلاح «حقوق» را بکار خواهیم برد.

پس از درک شدن معنی اصطلاحی «حقوق» تعریف «علم حقوق» هم قهراً روشن میگردد علم حقوق علمی است که از اوضاع و احوال مربوط بهمین قواعد و قوانین لازم الاجراء بحث میکند و این قوانین و قواعد را از نظرهای مختلف (مثلاً از جنبه تاریخی و چگونگی تشکیل و تطور آنها در طول تاریخ یک ملت، و از جنبه قضائی و چگونگی تطبیق یک قاعده معین بر یک مورد خاص و امثال اینها) مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد علم حقوق امروز از پرارزترین رشته‌های علمی تحقیقی میباشد و در تنظیم صحیح روابط گوناگون اجتماعی انسانها و کلیه مسائل مربوط به پیشرفت و تکامل

#### (۱) حقوق مدنی جلد چهارم

(۲) چون شرح هر کدام از این اصطلاحات متداول حقوقی از عهده این مقاله بیرون است به علاقمندان توصیه میکنیم در این باره به کتب حقوقی مخصوصاً کتاب «مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق»، مراجعه فرمایند.

اجتماعات ، در ردیف جامعه‌شناسی و بلکه مهمتر از آن نقش اساسی خود را بخوبی ایفا می‌کند و هم‌درقرون اخیر تحقیقات بسیار بدیعی در این رشته علمی در جریان بوده است

### ماهیت حقوق تطبیقی و اثر عملی مهم آن در تکامل اجتماعات

مقایسه و تطبیق حقوق ملتها با یکدیگر ، رشته بسیار دقیق و جالبی از علم حقوق را تشکیل میدهد که در اصطلاح علمی به «حقوق تطبیقی» معروف است ، میتوان ماهیت حقوق تطبیقی و منظور و اثر عملی آن را از تعریفی که ذیلا از علمای برجسته حقوق نقل می‌کنیم بطور روشن بدست آورد :

«حقوق تطبیقی عبارت است ، از مطالعه و تحقیق در قوانین موضوعه کشورهای مختلف و سنجش بین آنها و تعیین موارد اتفافی و اختلافی آنها بمنظور دانستن قانونی که بیشتر میتواند منافع اجتماعی را تامین نماید (۱)

تعریف فوق هم نقش اساسی حقوق را در جامعه بخوبی بیان میکند و هم منظور و هدف از حقوق تطبیقی را کاملاً معلوم میدارد اصولاً نقش اساسی هر حقوقی اینست که تامین کننده و نگهدارنده هر چه بیشتر مصالح و منافع اجتماع و افراد باشد و روی همین حساب ، منظور از تطبیق قواعد و قوانین دو مکتب حقوقی با یکدیگر بدست آوردن میزان مطابقت هر کدام از آنها با این مصالح است .

وقتی قوانین دو یا چند مکتب حقوقی را با یکدیگر می‌سنجیم می‌خواهیم معلوم کنیم کدام یکی از این مکتهبا قادر است مصالح جامعه و رفاه و پیشرفت و تکامل آن را در سایه اصول مخصوص بخود بهتر تأمین کند ؟ کدام حقوقی با فلسفه‌های زنده و صحیح اجتماعی و اقتصادی و سیاسی توافق و هم‌آهنگی بیشتر دارد و عدالت اجتماعی و قضائی و سیاسی که امروز عالیترین ایده‌های انسانی بشمار می‌روند در سایه استقرار کدام يك بهتر تحقق پذیر است ؟ اینست منظور از تطبیق حقوقها با یکدیگر و هدف آن رشته اساسی از علم حقوق که به «حقوق تطبیقی» معروف شده است .

کاملاً پیداست که این رشته از علم حقوق به پیشرفت و تکامل حقوق ملل مختلف جهان کمک فراوان میکند و خواه ناخواه ؛ اینکار جهان را بسوی وحدت قانون و برنامه میکشاند و این مهمترین اثر عملی حقوق تطبیقی است و خوشبختانه قرائن و اوضاع موجود نشان میدهد که فرارسیدن چنین روزی خیلی دیر نخواهد بود .

### مقایسه حقوق اسلام و غرب فوق العاده مهم و ضروری است

در میان مکتهبهای مختلف حقوقی که میتوان از آنها حقوق روم ، حقوق انگلستان ، حقوق

فرانسه و آلمان را نام برد «مکتب حقوقی اسلام» هم مکتب زنده و کاملاً مستقل و جداگانه است که امروز بر قسمت مهمی از شئون زندگی عده‌ای از ملل آسیائی و آفریقائی حکومت میکند و در گذشته بر تمام شئون اجتماعی آنان حکومت داشته است .

حقوق اسلامی پاره‌ای اصول و فلسفه‌های مخصوص بخود دارد که از هیچ مبدء و اصل دیگر اقتباس نشده و بعبده عموم مسلمانان فقط از راه وحی و به اراده خداوند بوجود آمده است ، باین جهت است که به اصطلاح حقوقدانان حقوق اسلامی يك «حقوق الهی» است یعنی حقوقی است که اصل و ریشه مذهبی دارد و مسلمانان ، قوانین و دستورات آنرا تنها باین جهت لازم الاجراء میدانند که خدای آفریننده جهان آنها را مقرر داشته . در حالیکه حقوقهای غربی چنین خاصیتی ندارند و ملل اروپائی (که تبعیت از این حقوقها مینمایند) قوه الزامی آنها را (بنا بنظر بهای مختلف که در فلسفه حقوق هست) در خود اجتماع و با طبیعت قوانین و ما نند اینها جستجو میکنند و بنظر آنها حقوق جدید از مسائل و معتقدات مذهبی و ماوراء الطبیعه ای و حتی اخلاقی کاملاً جدا است . (۱)

این استقلال حقوق اسلامی و خصوصاً نظر و عقیده خاصی که ما مسلمانان در این باره داشته و عظمت این حقوق را دلیل عظمت و واقعیت اسلام میدانیم ، ایجاب میکند تطبیق کامل و جامع الاطرافی میان حقوق اسلامی و حقوقهای غربی بعمل آید؛ باید بادرک شدن مورد اتفاق و اختلافی این حقوقها آن فلسفه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که مبانی حقوق اسلامی میباشد بدرستی روشن گردد و امتیازات و برتریهای حقوق اسلامی آشکار شود باید معلوم شود اسلام روی چه اصول و مبانی در موارد متعددی راه خود را از غرب جدا کرده و با قاطعیت تمام بوضع قوانینی کاملاً جداگانه و بلکه مباین در این موارد پرداخته است؟

آری باید فلسفه‌های حقوقی اسلام بدرستی تجزیه و تحلیل شود و اثبات شود که چگونه این فلسفه‌ها از نظر درستی و جامعیت بر فلسفه‌های رایج جهان غرب برتری میجوید؟ لازم است بخوبی بررسی شود که چگونه حقوق اسلامی مصالح و منافع افراد و اجتماع و رفاه و پیشرفت و تکامل جامعه را بر مراتب بهتر از حقوقهای دیگر تأمین میکند؟ این حقایق که وابستگی عمیقی با معتقدات مذهبی ما دارد درخور هر گونه تحقیق و مطالعه میباشد .

و آنچه ما که خواهان استقرار کامل حقوق اسلامی در سراسر شئون اجتماعی خود میباشیم

(۱) برای کسب اطلاعات مربوط به این بحث به کتاب «فلسفه حقوق» جلد ۲۹۱ و کتاب

«مقدمه تئوری کلی و فلسفه و حقوق» مراجعه شود .

بحکم ضرورت باید این تطبیق و مقایسه را بعمل آوریم زیرا آنها اینگونه تجزیه و تحلیل روشن است که می‌تواند سیطره و برتری خیالی غرب را در مسائل حقوقی از ما بردارد و اثرشوم آن را که جان‌نشین نمودن متوالی قوانین غربی بجای قوانین اسلامی است در کشورهای اسلامی از میان ببرد و تنها در این صورت است که قانون‌گذاران مسلمان قادر خواهند بود بدون دست‌درازی بسوی قوانین اروپائی همه نیازمندیهای خود را از حقوق اسلامی تأمین نمایند و چنانکه بارها گفته‌ایم شخصیت اسلامی را که مهمترین بنیان هر گونه نهضت و تحول اسلامی است در این ملل زنده نمایند .

### این مقالات مقدمات بحث اهل تحقیق را فراهم میکند

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تا کنون برای تأمین منظور فوق در زبان فارسی، تنها در بعضی از نشریات و مجلات علمی‌یادینی بحثها و مقالات پراکنده‌ای منتشر شده ولی مجموعه منظمی در این رشته تدوین نگشته است، همچنین معتزیم که نگارش یک سلسله مقالات منظم در چنین رشته دقیق علمی نیازمند امکانات علمی و تحقیقی فراوان است و اینکار کاریک‌هیئت چند نفری بلکه هیئتهای متعددی میباشد. نه کاریکی دوفرده آنهم با امکانات محدود - بنا بر این تهیه این سلسله مقالات برای اینست که اگر بتوانیم چنین وظیفه سنگینی را بطور کامل انجام دهیم اقلاً باصلاح «سوژه‌ای» برای اهل تحقیق فراهم آورده باشیم که با انتقاد از این مقالات و یا تکمیل آن و بالاخره با نوعی توجه بان باین مباحث گرویده شوند و قسمتی از اوقات گرانمایه خود را صرف این رشته تحقیقی بسیار سودمند فرمایند باشد که آنان با مطالعات بیشتر و کاملتر خود بتوانند حق این خدمت بزرگ را بطور شایسته اداء کنند .

تاهیتوانید از دیگر ای چیزی نخواهید

پیامبر اسلام (ص) میفرماید :

**من فتح علی نفسه باب مسألة فتح الله علیه باب فقر !**

: «کسیکه دری از سؤال (و خواهش از دگران) بروی خود بگشاید

خداوند دری از فقر بروی او میگشاید: ...» (نقل از کتاب فروغ کافی)

بنا بر این تا ممکن است باید از دگران چیزی خواهش نکرد ؛ و این نشانه

قناعت طبع و علوهمت است